

[A Persian translation of a message from the Universal House of Justice  
dated 19 March 2025 to the Bahá'ís of the World]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان  
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۱۹ مارس ۲۰۲۵

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

ماهیت جوامع شکوفایی که عالم بهائی برای ایجاد آنها در تلاش است پیامدهای عمیقی برای نهاد خانواده در بردارد. خانواده محیطی است که در آن فرد متولد شده پرورش می‌یابد و در همان محیط است که می‌آموزد چگونه با دیگران زندگی کند. واحد خانواده، سنگ بنای اساس جامعه و حتی کلّ نظام اجتماع است. از اینرو، اجتماعی که مقرر است برحسب نیازهای عصر بلوغ نوع بشر ساخته شود باید هم مفهوم عمیقی از خانواده داشته باشد و هم بتواند بینش‌های حاصله از آن مفهوم را به حیطة روابطی که ملت‌ها و در مجموع جهان را شکل می‌دهد گسترش دهد. حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که خانواده، ملت در مقیاس کوچک است و هر چه بر خانواده وارد آید بر ملت وارد آید. بنا بر این، یادگیری در باره الگوی نوین حیات خانواده جزء جدایی‌ناپذیر تلاش برای یادگیری در باره ظهور و بروز نیروی اجتماع‌سازی آیین بهائی است.

در طول تاریخ و در پاسخ به مقتضیات مراحل مختلف تکامل اجتماعی بشر، خانواده شکل‌های گوناگونی به خود گرفته است. با پیشرفت اجتماع، ترتیبات و تعاریفی که در یک دوره پیشین احتمالاً سودمند بود به انتهای خود می‌رسد و با مرحله بعدی تکامل انسان متناسب نیست. انتظارات والدین که برای یک برهه از تاریخ مناسب بود در برهه دیگر می‌تواند مانع پرورش استعدادهای فرزندان‌شان گردد. برخی از پیوندها و تعلقات قوی مابین خاندان‌ها نیز که در مرحله‌ای از تاریخ، شکوفایی آنان را میسر می‌ساخت در مرحله‌ای دیگر می‌تواند مانعی برای وحدت در نظام اجتماعی گسترده شود. و همچنین برخی از نقش‌های خاص زنان و مردان که از ویژگی‌های مراحل آغازین تکامل بشر بود می‌تواند سرانجام سدّ راه پیشرفت زنان و به طور کلی پیشرفت اجتماع گردد. حضرت عبدالبهاء تشریح می‌فرمایند که افکار و نظریات ادوار گذشته مستلزم تجدید نظر است. "امروز انسان باید از خصایل و قوای جدید، از اخلاقیات بدیع و از قابلیت‌های نوین سرشار گردد... عطایا و عنایات دوران جوانی گرچه

به موقع و برای حوایج دورهٔ شباب عالم انسانی کافی بود ولی حال قادر به تأمین نیازهای دوران بلوغ انسان نیست.<sup>۱</sup> (ترجمه) بنا بر این، یکی از چالش‌های جوامع بهائی در سراسر جهان این است که آداب و رسوم کنونی اجتماع خود را بررسی کنند، آنها را در پرتو تعالیم بهائی بسنجند، هرگرایش نامطلوبی را از میان بردارند، و بیاموزند که الگوهای جدید حیات خانواده را که متناسب با نیازهای عصری نوین است پی‌ریزی نمایند.

البته در این مرحله نسبتاً ابتدایی، توصیف ماهیت ترتیبات خانوادگی که نهایتاً باید در میقات اکمال دور بهائی پدیدار گردد، ممکن نیست. جوامع گوناگون در نقاط گوناگون جهان، با وجود اذعان به اهمیت بنیان مستحکم خانواده، با طیفی از نیروها رو به رو هستند که به طرق گوناگون خانواده را تضعیف می‌کند. با وجود این، افزایش قابلیت عالم بهائی در به‌کارگیری برخی بینش‌های اساسی حاصله از تعالیم مبارکه موجب تسریع بیشتر آن فرایند یادگیری خواهد شد که به حرکت به سوی الگویی جدید از زندگی در درون خانواده و در میان خانواده‌ها کمک می‌کند.

از جمله سؤالاتی که باید مورد بررسی قرار گیرد این است: ویژگی‌های حیات خانوادگی بهائی چیست و چگونه از برداشت‌های رایج راجع به حیات خانواده در اجتماع امروز متمایز است؟ ماهیت ازدواج بهائی چه تمایزاتی دارد و چگونه حیات خانواده را تقویت می‌کند؟ خانواده‌های بهائی چگونه به فرایند تقلیب و تحوّل در محله‌ها و روستاها و فراتر از آن کمک می‌کنند؟ موانع و مشکلات کنونی که خانواده‌های بهائی با آن مواجهند و آنان را از نیل به این هدف بازمی‌دارد کدام‌اند؟ چارچوب عمل نقشهٔ ملکوتی در مرحلهٔ جاری چگونه هم به تحکیم حیات خانواده کمک می‌کند و هم برای خانواده‌های پویا فرصت‌هایی فراهم می‌آورد تا فرایند جامعه‌سازی را مساعدت نمایند؟

\*

برداشتی نو از خانواده با برداشتی نو از ازدواج آغاز می‌شود. حضرت بهاء‌الله در مورد ازدواج می‌فرمایند  
 ”هو سرّ البقاء و مستسرّ الامضاء بعد القضاء لاهل الامکان“.

برای بهائیان ازدواج نه تنها پیوندی جسمانی است بلکه پیوندی روحانی نیز هست که برای زندگی در این دنیا و در عالم بعد مقتضیاتی دارد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که ازدواج بهائی ”ارتباط بین طرفین است و تعلق خاطر بین جهتین“ تا ”حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند“ و تا آنکه ”در نهایت الفت آمیزش نمایند و زندگانی کنند و حکم یک جان داشته باشند“. در ازدواج بهائی، دو نفس می‌آموزند که چگونه یکدیگر را یاری نمایند تا هر دو به هدف اخلاقی دوجانبهٔ خود نائل آیند — یعنی هم استعدادهای خدادادی خویش را پرورش دهند و هم به

<sup>۱</sup> از خطابات حضرت عبدالبهاء که به زبان انگلیسی ثبت شده و متن فارسی آن موجود نیست

تأسیس مدنیته همواره در حال پیشرفت کمک نمایند. روابطی که زوجین از لحظه عقد ازدواج بنیان می‌نهند به مرور ایام در عرصه مکان و زمان موجب ایجاد روابط جدید بی‌شماری با دیگران می‌گردد که می‌تواند حیات افراد و جوامع را به نحوی سازنده متحول سازد.

دیدگاه بهائی نسبت به ازدواج، از دوگانگی‌های ناشی از دیدگاه‌های سهل‌انگار و واپس‌گرای متداول در اجتماع فراتر می‌رود. در ازدواج بهائی، عشق، تساوی، صمیمیت، وفاداری، روابط جنسی، بچه‌دار شدن و تربیت فرزندان با هم ترکیب گشته پیوستگی این ویژگی‌ها مستحکم می‌گردد، و حصنی حصین برای سعادت و رفاه فردی و اجتماعی بنیان می‌شود. رسم و روال اجتماعی که مبتنی بر سهل‌انگاری و بی‌بند و باری است با جدا نمودن این ویژگی‌ها از یکدیگر که هر کدام برای شکوفایی انسان ضروری می‌باشد، ازدواج و خانواده را تضعیف می‌کند، در حالی که رویه‌های واپس‌گرا و ارتجاعی با تأکید بیش از حد یا تحریف یک یا دیگری از این ویژگی‌ها، موجب ظلم و آزار اعضای خانواده می‌شود. تمسک به تعالیم بهائی به حلّ چنین معضلاتی کمک می‌کند. در بستر فرهنگ‌های متنوع در سراسر جهان بسیارند نکاتی که باید برای درک کاربرد تمام ویژگی‌های ازدواج بهائی بر اساس تعالیم الهی آموخته شود. برای مثال، تساوی زنان و مردان در شکل‌گیری الگویی جدید از حیات زناشویی بهائی یک اصل محوری است. با به کار بستن این اصل بین زن و شوهر، روابط بین زوجین مستحکم شده نشو و نما می‌یابد و دختران و پسران با درک تازه‌ای از تساوی و تجلّی عملی آن پرورش می‌یابند. به تدریج پیامدهای این اصل بر نسل‌های آینده تأثیر خواهد گذاشت و به پیشرفت زنان کمک خواهد کرد تا وعده حضرت عبدالبهاء که زنان "به طور مساوی و کامل در امور و شئون عالم شرکت نمایند" (ترجمه)<sup>۲</sup> کاملاً تحقق یابد.

ازدواج باعث تأسیس خانواده می‌شود. اساس روابط سالمی که می‌باید اعضای یک خانواده بهائی را به یکدیگر پیوند دهد عدالت و حسن رفتار متقابل است. هر عضو خانواده باید از حقوق حقّه خود بهره‌مند گردد و هر عضو باید مسئولیت‌های خویش را به درستی ایفا نماید. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید "بر طبق تعالیم حضرت بهاء‌الله خانواده که یک واحد انسانی است می‌بایستی بر اساس موازین تقوی و تقدیس تربیت شود" (ترجمه)<sup>۳</sup> و "جمیع خویشان را همیشه باید مواظبت نمود که روز بروز ارتباط آنها زیاد شود و حقوق آنها معلوم باشد". پس روابط سالم و استوار در میان اعضای خانواده باید آگاهانه پرورش یابد.

در خانواده بهائی، زن و شوهر شرکای حقیقی یکدیگرند و یکی تابع دیگری نیست. آنان با یکدیگر از طریق دعا، مطالعه، مشورت و تأمل در عمل، به مقابله با چالش‌های زندگی — چه روحانی، چه مادی و چه اجتماعی — می‌پردازند. برای نمونه، تصمیم‌گیری در بارهٔ تعلیم و تربیت فرزندان را در نظر بگیرید. آثار بهائی مادر

<sup>۲</sup> از خطابات حضرت عبدالبهاء که به زبان انگلیسی ثبت شده و متن فارسی آن موجود نیست

<sup>۳</sup> از خطابات حضرت عبدالبهاء که به زبان انگلیسی ثبت شده و متن فارسی آن موجود نیست

را به عنوان نخستین مربی فرزند می‌داند و امتیازات او را در این زمینه تأیید می‌نماید. حضرت عبدالبهاء در مورد مادران می‌فرماید ”فی الحقیقه مؤسس سعادت و بزرگواری و ادب و علم و دانش و فطانت و درایت و دیانت اطفالند“. با این حال، پدر نیز در قبال تعلیم و تربیت فرزندان مسئولیت دارد و نمی‌تواند این وظیفه حیاتی را منحصرأ بر عهده مادر گذاشته، خود از آن کناره‌گیری نماید. اگرچه برای حمایت از مادر در این نقش و اطمینان از آنکه از این بابت دچار محرومیتی نگردد، پدر وظیفه متقابلی در حمایت مالی خانواده بر عهده دارد، اما این بدین معنا نیست که نقش هر یک ثابت و غیر قابل تغییر است. زن و شوهر، با توجه به درک خود از تعالیم بهائی و بر اساس شرایط متنوع شخصی و اجتماعی، بهترین نحوه اداره امور خانواده را تعیین می‌نمایند. هر مرحله از زندگی زناشویی، چالش‌ها و فرصت‌هایی خاص را به همراه خواهد داشت که زن و شوهر باید نهایت تلاش را مبذول دارند تا با همکاری و با کارایی، امور را اداره نموده در عین حال ترقی روحانی، عقلانی و حرفه‌ای یکدیگر را هم تضمین نمایند.

در محیط پر حمایت خانواده، والدین با ملاحظه و دقت فرزندان خود را در یادگیری برای زیستن به شیوه‌ای هدف‌مند که به صفات معنوی و خدمت و عبادت مزین است راهنمایی می‌کنند. در این راستا، از طریق سرمشق خود والدین و از طریق الگوی زندگی روزمره و تعاملات‌شان و از طریق گفتگوهای بی‌شمار، پدر و مادر فرزندان خود را در کسب صفات و نگرش‌ها و عادات و قابلیت‌های متنوع و روز به روز پیچیده‌تر پرورش می‌دهند و در این راه، روش‌ها و رویکردهایی اتخاذ می‌کنند که متناسب با هر مرحله از رشد فرزندان، از طفولیت تا بلوغ باشد. از همان ابتدای زندگی، کودکان می‌آموزند که مهر پروردگار را در قلب پیروانند و به او روی آورند و روزانه دعا نمایند و آثار الهی را تلاوت کنند، به کرامت نفس واقف باشند و در پرورش صفات روحانی ساعی، این صفات را در روابطی سرشار از محبت و همکاری به ظهور رسانند، و دیگران را بر خود ترجیح دهند. در این مسیر، آنان فرامی‌گیرند که به تحمّل سختی‌ها عادت کنند، انضباط فردی داشته و مسئولیت‌پذیر باشند، از خودپسندی رویگردان شده به تحصیل هنر و علوم پردازند. با ورود تدریجی به عرصه اجتماع، می‌آموزند که روحیه خدمت را در خود پرورش دهند، به انتشار و اجرای تعالیم الهی مبادرت ورزند، اختلافات را از طریق مشورت رفع نمایند، در عهد و میثاق الهی ثابت قدم مانند، برای اصلاح عالم بکوشند، و به اموری پردازند که به عزت ابدی منتهی می‌گردد. آثار بهائی گنجینه‌ای بی‌پایان از بینش و معرفت در اختیار والدین قرار می‌دهد تا با استفاده از آن بسیاری از نگرش‌ها، مهارت‌ها، و توانایی‌های مهم دیگر را در فرزندان خود پرورش دهند و البته مؤسسه آموزشی حمایتی ضروری در افزایش درک و قابلیت‌های تمام اعضای خانواده ارائه می‌نماید. اگرچه منابع دیگری نیز برای تقویت تربیت مادی، اجتماعی و روحانی جوانان ممکن است در دسترس باشد — مانند مدارس، حیات جامعه، پروژه‌های خدمت و غیره — که خانواده می‌تواند از آنها نیز بهره‌بردارد، اما مسئولیت نهایی تعلیم و تربیت صحیح و کامل فرزندان، بر عهده والدین است.

به مرور زمان، روابط میان اعضای خانواده تحوّل می‌یابد و شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. پیوندهای مهر و محبت و وحدتی که میان خواهران و برادران با دقت پرورش یافته، منبعی مادام‌العمر برای حمایت و تعالی فراهم می‌آورد و همچون سدّی مستحکم از حسادت‌های کم‌مایه و بی‌پایه و اختلافاتی که ممکن است در حیات خانواده پدید آید جلوگیری می‌کند. بدیهی است که حقوق و مسئولیت‌های فرزندان بالغ با مسئولیت‌های دوران کودکی آنان یکسان نیست. والدین در آماده‌سازی فرزندان‌شان برای بلوغ، باید نسبت به این تغییرات متوجّه و هوشیار باشند و به دقت حسّ استقلال و مسئولیت‌پذیری نسل بعد را در آنان پرورش دهند. جوانان در سراسر زندگی خود همواره والدین را مورد احترام و تکریم قرار می‌دهند اما با رسیدن به بلوغ، می‌باید عهده‌دار مسئولیت زندگی و گزینش‌های خویش گردند. با گذشت زمان و بالا رفتن سنّ والدین، تعهدات تغییر می‌کند و ممکن است به تدریج شرایط ایجاب کند که فرزندی مسئولیت حمایت و یاری والدین خود را به عهده گیرد.

روابط یک خانواده هسته‌ای، در دوایر وسیع‌تری از ارتباطات قرار دارد که با ارتباط با خویشاوندان شروع می‌شود. محبت و حمایت پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، عمّه‌ها، عموها، خاله‌ها و دایی‌ها، و فرزندان‌شان به تحقیق اهداف و ادای مسئولیت‌های یک خانواده کمک می‌کند. ویژگی‌های این چنین روابط خانوادگی همچنین شامل سایر بهائیان و دوستان نیز می‌شود، نفوسی که می‌توانند به طرق گوناگون به یک خانواده یاری رسانند. در شبکه اجتماعی صمیمانه‌ای که در یک جامعه پویا شکل می‌گیرد، بزرگسالان همواره تریید معلومات، پندهای حکیمانه و سرمشقی برازنده ارائه می‌دهند. دیگران نیز همچون خویشاوندان روحانی، با ابراز محبت و توجّه به پیشرفت جوانان، تلاش‌ها و آرزوهای متعالی والدین را حمایت و تقویت می‌نمایند. جوانان مانند خواهر و برادری بزرگ‌تر عمل می‌کنند و به طرق متعدّد به جوان‌تران کمک کرده الهام‌بخش آنان می‌گردند. به این ترتیب، حسّ یگانگی، محبت، مراقبت، اعتماد و هم‌بستگی که ابتدا در محیط خانواده پرورش یافته، به تدریج در تار و پود روابط جامعه تنیده می‌شود.

توجّه به امور مالی، جنبه‌ای ضروری برای حیات خانوادگی منسجم و شکوفا و همچنین برای مشارکت خانواده در یک جامعه در حال رشد است. مشورت میان زن و شوهر، و در صورت لزوم با فرزندان، تعیین خواهد کرد که این بُعد مادی چگونه باید با سایر جنبه‌ها و تعهدات مختلف زندگی خانوادگی تعادل داشته باشد. اداره خردمندانه و دقیق امور مالی خانواده مستلزم توجّه به موضوعات متعدّدی است از جمله: درآمد چگونه کسب گردد و چطور مصرف و پس‌انداز شود، تحصیلات و رفاه فرزندان چگونه مستمراً تأمین شود، چه مبلغی به تبرّعات به صندوق‌های بهائی و حمایت از امور جامعه اختصاص داده شود، و ادای فریضه حقوق الله چگونه انجام شود. در پاسخ به این سؤالات و سؤالات مشابه، خانواده محیطی را فراهم می‌آورد که مفاهیمی همچون سخاوت، مسئولیت، تفاوت بین احتیاجات و خواسته‌ها، و مدیریت منابع مادی، در عمل آموخته شود.

\*

حیات خانوادگی بهائی میدانی از تعامل پویا با اجتماع بزرگ را می‌گشاید. این تعامل با کوشش اعضای خانواده در راه متجلی ساختن تعالیم اساسی حضرت بهاءالله در زندگی‌شان شکوفا می‌گردد. به عنوان مثال، اصل تساوی زنان و مردان که قبلاً به آن اشاره شد روابط متمایزی میان زن و شوهر و همچنین بین فرزندان و بین تمامی اعضای خانواده به وجود می‌آورد و آنان را برای ایفای نقشی سازنده در تعاملات اجتماعی آماده می‌کند، تعاملاتی که استعدادهای همگان را ظاهر می‌سازد. همچنین، تمسک به اصل یگانگی نوع بشر ایجاب می‌نماید که خانواده‌ها موقعیت کسب تجربیاتی را برای فرزندان خود فراهم آورند که آنان را از جمیع تعصبات حفظ نماید تا بتوانند بر تنوع و کثرت نوع بشر بیشتر قدر نهند. چنین تجربیاتی آنان را قادر می‌سازد که روابط اتحاد و یگانگی را در جهانی پراختلاف به منصفه ظهور رسانند. علاوه بر این، پرورش قابلیت برای تحرّی حقیقت، برای درک توافق بین علم و دین، برای حلّ اختلافات و اتخاذ تصمیم از طریق مشورت، و برای هم‌کاری به جای نزاع و رقابت، اعضای خانواده را توانمند می‌سازد که عاملینی فعال و مؤثر در فرایند تقلیب و تحوّل اجتماعی باشند. پرورش صفاتی مانند عدالت و هم‌دردی در مراودات اعضای خانواده، فرزندان را برای برقراری روابط سالم و متعادل با دیگر افراد اجتماع آماده می‌سازد. بدین ترتیب، سعی و کوشش در راه یاد گرفتن اجرای تعالیم الهی در خانواده، هم‌زمان، هم دیدگاهی را در فرزندان پرورش می‌دهد که از محدوده خانواده فراتر می‌رود و هم آنان را نسبت به شرایط و نیازهای مردم جهان آگاه می‌سازد.

ایجاد الگویی نوین از حیات خانواده، مقاومتی مؤثر در برابر نیروهای مخرب است که از خصوصیات لاینفک عصر انتقالی است. این نیروهای متهاجم به جامعه بشری، به ویژه خانواده را تحت تأثیر قرار داده، پیوندهای آن را از هم گسسته و به اعضای آن، به خصوص کودکان، آسیب‌های سنگینی وارد ساخته است. این نیروها می‌تواند اعضای خانواده را در معرض برخی از ویران‌گرترین آسیب‌های اجتماعی قرار دهد: فقدان محبت و مراقبت، غفلت از امور روحانی، تنزل کرامت انسانی، فقر، ناامنی، و خشونت. افراد به راحتی وسوسه می‌شوند که تسلیم یک زندگی مادی و لذت‌جو شوند و بدین ترتیب، صرفاً به ابزاری در دست کسانی تبدیل گردند که در پی تحمیل طرح‌های خود بر اجتماع هستند. ایدئولوژی‌ها و هویت‌های متضادی که با آرمان‌های وحدت عالم انسانی و صلح جهانی ناسازگارند، برای جلب وفاداری توده‌ها به رقابت برخاسته در کشمکش برای برتری بر یکدیگر در ستیزند. برخی از این جنبش‌ها، بذر تعصّب و افراط‌گرایی‌هایی را می‌افشانند که در نهایت به بیگانگی، منازعه، و جدال میان ملل و اقوام جهان منجر می‌شود. برخی دیگر از این جنبش‌ها ممکن است ظاهراً با بعضی از جنبه‌های تعالیم الهی سازگار به نظر آیند اما به تدریج و به نحوی نامحسوس، می‌توانند احباً را از مسیر مستقیم امر حضرت بهاءالله منحرف سازند. نیروهای مرتبط با فرایند تخریب، به طرق گوناگون بر جمعیت‌های گوناگون اثر می‌گذارند. از اینرو، خانواده و جامعه به طور کلی باید بیاموزد که واقعیت‌های موجود محیط خود را بررسی نماید، ماهیت و

پیامدهای هر یک از این نیروها را درک کند، و با توسل و توکل کامل بر تأییدات الهی، تدابیری پیش‌گیری‌کننده و علاج‌بخش برای مقابله با طوفان‌های پرآشوب این دوران وخیم اتخاذ نماید.

ارتباط نزدیک بین اعضای خانواده و اشتیاق صمیمانه آنان برای خدمت به دیگران یک فضای اجتماعی بی‌ظنیر پدید می‌آورد و آن فضا خانه بهائی است. خانه پویا و پرشور بهائی عنصری بی‌مانند در فرایند جامعه‌سازی در سطح مردمی می‌باشد. در این محیط سرشار از محبت، اعضای خانواده یکدیگر را حمایت می‌کنند تا عاملینی قابل و مطمئن در نقشه ملکوتی گردند و در عین حال، پذیرای دیگران شوند و آنان را در ایفای نقشی در تقلب اجتماع یاری دهند. در خانه بهائی صمیمیت مهمان‌نوازی با احیای روحانی و پیشرفت عقلانی آمیخته می‌شود. هر خانواده بهائی از طریق فعالیت‌ها در خانه خود می‌تواند شیوه‌ای از زندگی را عرضه نماید که الهام‌بخش همه کسانی باشد که خواستار مقابله با نیروهای تفرقه‌افکن‌اند — نیروهایی که نارضایتی، نزاع و خودمحوری را تقویت می‌کنند. همچنین هر خانواده بهائی می‌تواند الهام‌بخش کسانی باشد که در پی ایجاد اعتماد، هم‌کاری و اقدامات سازنده‌ای هستند که یک جامعه سالم بر آن متکی است. در محدوده‌های جغرافیایی گوناگون در سراسر جهان، گروه‌هایی از خانواده‌ها در خانه خود را گشوده‌اند و با هم‌کاری یکدیگر به تحکیم فعالیت‌های محلی کمک می‌کنند و دامنه این فعالیت‌ها و تأثیرات آن را به طور چشمگیری گسترش می‌دهند.

مفهوم یک زندگی منسجم بر اساس خدمت، به همان اندازه که در ارتباط با فرد مطرح است به حیات خانواده نیز مربوط است. با مرور زمان، خواسته‌ها و فرصت‌های پیچیده‌ای که خانواده با آن مواجه است نیز همواره تغییر می‌کند. عموماً، پیشروی با یکدیگر در مسیر خدمت موجب استحکام خانواده می‌گردد و آن را در انجام مسئولیت‌های گوناگونش در هر مرحله از زندگی اعضای خانواده یاری می‌دهد. در برخی مواقع، هنگامی که احتیاج به خدماتی مبرم مشهود می‌گردد — خواه برای یکی از اعضای خانواده و خواه برای کل خانواده — پیوندهای حمایت در درون یک خانواده خدوم بهائی این امکان را به وجود می‌آورد که مساعی فداکارانه با دل و جان پذیرفته شود. در چنین مواقعی، یادآوری ماهیت اساسی مفهوم فداکاری حائز اهمیت بسیار است چنانکه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که فداکاری آن است که انسان از امور بشری به خاطر امور الهی چشم‌پوشی کند. فداکاری، امکان خدمات وسیع‌تری را فراهم می‌آورد اما نباید این فداکاری به قربانی شدن نفس خانواده منجر گردد.

\*

با بررسی پیشرفت نقشه نه‌ساله، این جمع در قبال مجهودات مخلصانه احبای الهی سرشار از شگفتی و امتنان عمیق است. در شرایط گوناگون در سراسر عالم و در حالی که احببا با مردمان مشتاق در فرایند جامعه‌سازی هم‌کاری می‌کنند، طرح‌های متعددی را برای آموزش و بهبود اجتماع آغاز می‌نمایند، اقدامات امر مبارک را به

دیگر نقاط گسترش می دهند، و تعهدات متعدّد یک حیات منسجم و سراسر خدمت را با یکدیگر هماهنگ می سازند، شاهد تلاش های فداکارانه ای هستیم که نتیجه هم کاری افراد، جوامع، و مؤسّسات است. احبّا علیرغم محدودیّت های ناشی از ظلم و ستم و آشفتگی های ناشی از دنیایی پر آشوب، در اهداف والای خود استقامت می ورزند. نفوس بی شماری در سراسر عالم، در حدّ شرایط و قابلیت های خود، می کوشند تا نیروی اجتماع سازی امر الهی را هر چه بیشتر ظهور و بروز بخشند. در راه تحقّق این اهداف، نقش خانواده های بهائی در سال ها و دهه های آتی بیش از پیش ضروری و مؤثر خواهد بود. همه احبّا در تقویت این عنصر اساسی حیات بهائی نقشی بسیار مهمّ بر عهده دارند.

نقل شده است که حضرت عبدالبهاء چنین فرموده اند "خانه من خانه انس است خانه الفت است خانه انشراح و انفراج است خانه وحدت و یگانگی است خانه خنده و سرور است هر کس در این خانه می آید باید مسرور و منشرح الصدر گردد این خانه نور است باید منور شوید". امیدواریم که خانواده ها و منازل شما بیش از پیش پناهی امن و رکنی محکم برای حمایت از همه نوع بشر گردد.

[امضا: بیت العدل اعظم]